

آمیولانس

مریخی‌های خوشگل



پوریا عالمی

● یک بشقاب‌پرندۀ گذاشته بود دنبالم، البته نگران نباشید. ما چون خیلی راحت از دوربین‌های راهنمایی و رانندگی در می‌رویم یا وقتی افسر سُر چهارراه ایستاده، بلدیم چطور ی پشت اتوبوس حرکت کنیم که دیده نشویم، از دست بشقاب‌پرندۀ هم به‌راحتی در می‌رویم. اما این بشقاب‌پرندۀ از آن بشقاب‌پرندۀ‌ها نبود که ای‌تی‌وار آمده‌اند با زمینی‌ها گفت‌وگو کنند. این بشقاب‌پرندۀ از مریخ آمده بود و دست آخر توی بن‌بست آمبولانس را خفت کرد و فضایی‌ها‌اش پیاده شدند. من و خشایار دیهیمی، مترجم کتاب‌های فلسفی و ادبیات، توی آمبولانس نشسته بودیم و نمی‌دانستیم باید چیکار کنیم.

من به آدم‌فضایی‌ها گفتم: چه بشقاب‌پرندۀ خوشگلی دارید. به‌به. می‌دهی ما هم یک دور بزیم باهاش؟ فضایی‌ها گفتند: چی گفت؟ گفت خوشگل؟ خوشگل گفت؟ حرف نامربوط؟ این کلمه حذف بشود. خشایار دیهیمی گفت: اوه‌و. من دیروز به ایسنا گفتم «برس‌های وزارت ارشاد از مریخ آمده‌اند» و می‌گویند «باید کلمه خوشگل حذف شود حتی از ترکیب کمد خوشگل»؛ نگو واقعا از مریخ آمدند. مریخیه آمد جلو و گفت: ما آمد از مریخ. تا اصلاح کرد شما. تا ادب کرد شما. لازم بود فلک کرد شما. رادیو روشن بود و رییس‌جمهور داشت می‌گفت: «به‌زور کسی را نباید به پشت‌بیریم و گفتیم: خشایاران، من دیدم روحانی حق دارد. چون مریخیه من را سوار بشقاب‌پرندۀ کرد.

خشایار دیهیمی گفت: آمبولانس‌چی را کجا می‌پرید؟ مریخیه گفت: برد آمبولانس‌چی فضا. خیال همه شد راحت. من گفتم: ولی بشقاب‌پرندۀ خوشگلی دارید‌ها. اصلا خودتان هم به چشم آدم‌فضایی‌ای بدجور خوشگل هستید

که در همین لحظه کسی آمد و به بشقاب‌پرندۀ آدم فضایی‌ها تذکر داد که نباید اینطوری بیایند زمین. بعدرو کردم به خشایار دیهیمی و گفتم: خشایاران، شما این‌همه ما را با ادبیات و اندیشه جهان آشنا کردی، اما تا حالا خودت خراج نرفته‌ای. دلت بسوزد. خراج که هیچی، من رفتم فضا، و با مریخیه سوار بشقاب‌پرندۀ شدیم و رفتیم به جای افق در فلق گم شدیم.

اتفاق

خوان میرو و دالی به باغ موزه قصر می‌روند

● خوان میرو، پیکاسو و سالوادور دالی در باغ‌موزه قصر کنار هم قرار می‌گیرند. این خبری است که حامد اصغری، دبیر اجرایی نخستین نمایشگاه نگارخانه‌های جهان داده ۸/۸میلیون‌دلار قیمت دارد که بیمه‌کردن چنین اثری سخت است و شرکت‌های بیمه ایران هم امکان بیمه چنین آثار گرانبهایی را ندارند. البته ما توانستیم طی مذاکراتی با صاحبان این آثار به نتایج مثبتی در این زمینه دست پیدا کنیم که اگر بتوانیم شرایط آنها را برایشان فراهم کنیم، نمایش آثار بزرگان هنر دنیا در ایران دور از دسترس نیست» اصغری در گفت‌وگو با مهر درباره هدف از برپایی نمایشگاهی از آثار بزرگان هنرهای تجسمی جهان در کشورمان گفت: «این نمایشگاه با سه‌هدف عمده برگزار می‌شود: اول آنکه تلاشی کردیم با دعوت از هنرمندان و نگارشداران خارجی به ایران به‌عنوان مهد تمدن خاورمیانه و جهان نشان دهیم که همه تبلیغاتی که علیه ایران در سطح دنیا صورت می‌گیرد، واقعیت ندارد. دوم آنکه سعی داریم هنر هنرمندان خارجی را در کنار آثار هنرمندان ایرانی یکجا به نمایش بگذاریم تا سبک و نگاه هنرمند ایرانی قابل مقایسه با هنرمندان دیگر دنیا باشد و فرصتی برای مخاطب ایرانی ایجاد کند تا همه این آثار را در کنار هم مشاهده کند.»دبیر اجرایی اولین «نمایشگاه گالری‌های جهان در ایران» با اشاره به امکان رایبه آثار هنرمندان ایرانی در کنار آثار هنرمندان خارجی توضیح داد: یکی از اهداف ما برقراری ارتباط هنرمندان ایرانی با خارجی است به‌طوری که این ارتباط محدود به چند جراحی و نمایشگاه خاص نباشد که از سوی دیگران طراحی می‌شود. او به حضور ۳۰ گالری از ۲۰ کشور جهان نظیر اسپانیا، ترکیه، سوئیس، پرو و نمایش آثار ۱۲۰ هنرمند در شاخه‌های مختلف هنرهای تجسمی از جمله نقاشی، مجسمه‌سازی و هنر جدید اشاره کرد که قرار است این آثار هنری ایران و جهان با حمایت موسسه نسل آفتاب از چهارم تا هفتم‌تیر در باغ‌موزه قصر برپا شود. به گفته اصغری، بخشی از عواید حاصل از نمایشگاه جهت حمایت از بیماران مبتلا به بیماری‌های نادر پیش‌بینی شده‌است.

بر اساس این گزارش، برنامه‌ریزی برای اجرای اولین نمایشگاه گالری‌های جهان در ایران از اردیبهشت‌ماه۱۳۹۲ آغاز شده و بخش بین‌المللی نمایشگاه با همکاری شرکت Art Collect و Euro Asia که خود متخصص برگزاری Art Fair در جهان است، تهیه و تدارک دیده شده است.

شترتوزنامه

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۳
۲۹ رجب ۱۴۳۵
۲۹ می ۲۰۱۴
سال یازدهم
شماره ۲۰۲۷
۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲
اذان مغرب ۲۰:۳۳
اذان صبح فردا ۴:۰۷
طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنفرها

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

خط فقر در تهران یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان

خط فقر



کافه نظر

استعمال دخانیات، به‌مثابه تفریح

شرق، عسل عباسیان: با اینکه همیشه خانواده‌ها، فرزندانشان را از مصرف دخانیات و به‌خصوص سیگار منع می‌کنند، با اینکه تقریباً تمام رسانه‌ها بر این موضوع تاکید دارند، با اینکه دولت‌ها، پزشک‌ها و... مضروبون این مواد را دانما یادآوری می‌کنند، اما همه اینها سبب نشده تا برخی افراد وقتی به سنین نوجوانی و جوانی می‌ی‌گذارند، به سراغ سیگار و قلیان نروند و اتفاقاً می‌بینیم که در بین جمع‌هایشان، گاه استعمال دخانیات، به‌مثابه تفریح و خوشگذرانی تلقی می‌شود. به بهانه هفته «بدون دخانیات» به سراغ سه چهره رفتیم تا آنها بگویند که چرا نصایح خانواده‌ها تأثیری بر روند روزافزون استفاده جوان‌ها از قلیان و سیگار ندارد و حتی استعمال مواد دخانی برایشان تبدیل به تفریح شده است؟

آذر منصوری

فعال اصنامحاطلب

از آنجایی که رفتار هر انسانی ناشی از نوع فکر کردن اوست و تفکر هر انسان هم ناشی از آموزش‌هایی است که فرد می‌بیند، چه به‌صورت رسمی و چه به‌صورت غیررسمی. فکر می‌کنم استفاده جوانان از دخانیات را هم باید در همین چارچوب مورد آرزایی، بررسی و قضاوت داد. اگر جوان امروز ما میل به استعمال قلیان یا سیگار دارد، این بدلیل نیاز و تمایلی است که ناشی از نوع تفکر نسل امروز ما نسبت به پدیده دخانیات است. بنابراین شاید بهتر باشد به‌جای امرنویهی کردن و اقدامات سلبی در این زمینه یا محدودکردن، که علی‌القاعده با توجه به گستردگی این مواد و تجارتی که در اثر توزیع و تولید این مواد در جامعه جهانی شکل گرفته است غیرممکن به نظر می‌رسد، به فکر فرهنگسازی باشیم. راهکارهای سلبی نه‌تنها جوابگو نیستند و مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه در تشدید این مشکل اجتماعی هم تأثیرگذار خواهند بود. البته که تجارت موادمخدر و دخالی آنچنان گسترده و تأثیرگذار است که چنانچه دولت‌ها برنامه مشخصی برای مقابله با این مافیا نداشته باشند آنچنان جامعه درگیر این معضل می‌شود که حتی شاید گاهی نجات، غیرممکن به نظر برسد. به‌حال متأسفانه این تلقی که مصرف مواد دخالی می‌تواند آرامش‌بخش باشد و مسایل و معضلات رایج را در افراد کمزنگ کند، زمینه‌ساز گرایش به این مواد است و مورد دیگر هم این است که استعمال قلیان و سیگار گاهی برای جوان‌ها جنبه تفریحی دارد و چنانچه زمینه‌ای برای ایجاد تفریحات سالمی که بتواند نیازهای نسل جوان را تأمین کند، ایجاد شود، گرایش به مواد دخانی هم در جامعه کمتر خواهد بود.

افشین یداللهی

روایتپزشک و ترانه‌سرا

قبل از اینکه از خودمان پرسیم چرا جوان‌ها با وجود نگرانی همیشگی خانواده‌ها باز هم به سمت مصرف مواد دخانی می‌روند باید در نظر داشته باشیم که افراد در سنین جوانی از گروه همسالانشان تأثیر می‌پذیرند. این تأثیرپذیری در بین افرادی که اعتمادبه‌نفس پایین‌تری دارند بیشتر است چون توانایی «نه» گفتن ندارند و دنباله‌روی می‌کنند و حتی اگر به انجام کاری تمایل هم نداشته باشند آن را انجام می‌دهند تا مورد پذیرش جمع همسالانشان واقع شوند. در این شرایط، اگر افراد پدر و مادری هم داشته باشند که از کودکی زیاد نصیحت و امرنویهی‌شان کرده باشند، باز این تأثیرپذیری از گروه همسالان بیشتری می‌شود چون این افراد می‌خواهند به خانواده‌هایشان هم آتبات کنند که مستقل هستند و رفتارهای ساختارشکنانه دارند. ممکن است برای آنها، مصرف دسته‌جمعی دخانیات در مکان‌های عمومی نوعی ابراز خشم هم باشد. به‌طور کلی وقتی یک فرد از مجموع شرایط فردی و اجتماعی، ناراضی است، برای تخلیه این ناراضیتی به دخانیات رو می‌آورد و این کار برایش نوعی واکنش به شرایط است، نوعی اعتراض مخرب و غیرسازنده. جمع‌هایی هم که افراد در آن برای استعمال این مواد دورهم جمع می‌شوند شباهت دارد به اینکه در فضای مجازی و گروه‌های وابیری و وی‌چی و... محافظی تشکیل می‌شود که مدام اعضا از اذات به یکدیگر می‌گویند و برای فرار از مشکلات روابط سطحی‌ای می‌سازند که در آن می‌خواهند از واقعیات و تلخی‌ها فرار کنند.

آناهیتا همتی

بازیگر

من به‌نخه از سیگار متنفرم هیچ‌وقت هم به کافی‌شاپ‌هایی که در آنها، افراد سیگار می‌کشند نمی‌روم. صلاح‌دور را نمی‌تولم تحمل کنم و وقتی می‌بینم که جوان‌ها در بسیاری از اوقات تفریحشان تولید دود است، به نظرم وحشتناک می‌آید و فکر می‌کنم خب وقتی جایی وجود ندارد که جوان، همان‌طور که به کافی می‌رود و سیگار یا قلیان می‌کشد، برود و بدیمنتون بازی کند، طبیعی است که دود را انتخاب می‌کند. چون گزینه دیگری برای تفریح ندارد. من متخصص مسایل اجتماعی نیستم اما فکر می‌کنم برای جلوگیری از گرایش جوان‌ها به دخانیات، فرهنگسازی ریشه‌ای لازم است. وقتی پدر و مادرها جلو بچه‌های کوچکشان، سیگار می‌کشند مسلماً آن بچه‌ها هم یاد می‌گیرند. همان‌طور که وقتی پدر و مادری از بنجره ماشین، آشغال به بیرون پرت می‌کنند، باز هم فرزندشان این را یاد می‌گیرد و همین می‌شود که جاده‌های ما پر از آشغال است. نباید همه تقصیر را گردن جوان‌ها انداخت، چون در اصل پدر و مادرها آموزش غلط به آنها داده‌اند، شاید چون خودشان هم در این زمینه‌ها بدرستی تربیت نشده‌اند. هیچ‌وقت جلو فرزند کوچکشان نگفته‌اند که حالا که من دارم سیگار می‌کشم، لافل برای سیگار کشیدن به خارج از خانه و محیط بسته بروم که اطرافیم از دودش آذین نشوند. قاعده آنجاست که می‌بینم حتی برخی به بچه‌های کوچکشان قلیان می‌دهند و از قل‌قل کردن بچه‌شان کیف می‌کنند. با چنین اتفاقاتی، خب نباید انتظار هم داشت که آن کودک، وقتی به سنین جوانی رسید، استفاده از دخانیات را خط قرمز بداند.

اسماعیل کهرم

وقتی که از آب صحبت می‌شود نباید فراموش کنیم که منابع آبی ما از دو منبع نشات می‌گیرند: آب‌های سطحی که پشت سد‌ها جمع‌آوری می‌شوند و از طریق لوله‌کشی به مردم می‌رسند و آب‌های زیرزمینی. پس خیلی به این باران‌ها که هرروز شاهدش هستیم و حتی خبر از هوانسانسی رسیده که تا نیمه‌های هفته بعد هم ادامه خواهند داشت، دل‌خوش نکنید. به جرات می‌توانم بگویم که میزان خسارات واردآمده از بی‌آبی و

سلام به فردا

دل مبندیم به باران

و تا جایی که ممکن است در مصرف آب صرفه‌جویی کنیم و گرنه من فکر می‌کنم حداکثر تا دوماه دیگر در تهران آب به مرز جیره‌بندی برسد. این موضوع البته تنها به تهران خلاصه نمی‌شود؛ دامنه این آفت به همه کشور گسترش پیدا کرده. چندروز پیش در سفری به تالاب بختگان با دریاچه‌ای مواجه شدم که ۴۲۰هزارهکتار وسعت داشت اما دریغ از یک قطره آب! این روزها دربارۀ مصرف آب هشدارهای زیادی داده‌اند اما تا تصویر یک دریاچه خشک‌شده را به چشم نبینید محال است که این نگرانی‌ها را جدی بگیرید. پس از همین امروز در بازکردن شیر آب دقت کنید تا این سال خشک به سلامت از بیخ گوش‌شان عبور کند.

گزارش فردا

رانندگی، خیابان و حقی که نادیده گرفته می‌شود

فرهنگ قفل فرمان!

باعث می‌شود فرد کنترلش را از دست بدهد؛ بارها دیده‌ام که یک تصادف کوچک یا حتی یک توقف بیش‌ازاندازه به ردوبدل ناسزا انجامیده و راننده‌ها قفل فرمان به دست از ماشین پیاده شده‌اند. حال سوال شکل عوض می‌کند؛ آیا نمی‌شود این رفتارها را کنترل کرد؟ و پاسخ یک روانپزشک به آن، چنین است: «کنترل‌ها و مهارها بر رفتارهای پرخطرگانه به‌شدت کم شده است و این نشان می‌دهد که فشاری بیش‌ازحد معمول روی مردم جامعه قرار گرفته. به‌عنوان نمونه راننده تاکسی که باید هشت ساعت در روز کار کند، وقتی مجبور می‌شود ۱۶ ساعت پشت فرمان بنشیند، یا راننده دیگری که نشستنش پشت فرمان نشانه شغل دوم اوست، خودبه‌خود خسته و فرسوده شده و تحملش به مراتب پایین‌تر از قبل می‌شود تا جایی که دیگر نمی‌تواند به سادگی خشم خود را کنترل کند» اما همه‌چیز را نمی‌شود از دید تورم روزافزون و فشارهای اقتصادی زندگی دید. جلیلی اشاره می‌کند که برخی از این رفتارها که در خیابان‌ها شاهدش هستیم، یادگرفته شده‌اند: «مردم در حال الگوبرداری غلط هستند. این روزها در سرایل‌ها شاهد خشونت هستیم. آرام حرف‌زدن فراموش شده خود را کنترل کند» اما همه‌چیز را نمی‌شود از دید تورم روزافزون و فشارهای اقتصادی زندگی دید. جلیلی اشاره می‌کند که برخی از این رفتارها که در خیابان‌ها شاهدش هستیم، یادگرفته شده‌اند: «مردم در حال الگوبرداری غلط هستند. این روزها در سرایل‌ها شاهد خشونت هستیم. آرام حرف‌زدن فراموش شده خود را کنترل کند» اما همه‌چیز را گرفته. این مساله برای مردم یک الگوی غلط است. جانشینی ادبیات دعوا به‌عنوان راه‌حل مسایل روزمره باعث می‌شود که مردم در لحظه حل مشکلات خود از این راه غلط کمک بگیرند و در آخر به چند صفت هم اشاره می‌کند که به اعتقادش، از ما دور شده‌اند: «مهربانی، صبر، قانع‌بودن و صفت‌هایی ازاین‌دست که در دین به آن توصیه شده از ما دور شده‌اند. برخی از مردم دارند عجیب‌وغریب می‌شوند و سلامت رفتارهای اجتماعی‌شان کمتر شده» مارگوت بیکل، شاعر و فیلسوف آلمانی، مهربانی را تنها راه نجات انسان می‌دانست. حالا به نظر می‌رسد آنچه در خیابان‌های تهران و میان این‌همه ماشین رنگه‌رنگ و مدل‌به‌مدل، مفقود شده، همین گوهر کمیاب انسانی، یعنی مهربانی است.

نگاه مخاطب

سفر به گذشته

سهیل عیسی‌پور

ما که جویای علتیم یا لحنی تلخ و آکنده از ناراضیتی می‌گویید: «مردهایشان پی این کار می‌فرستندشان» و ناراحت‌کننده‌تر اینکه به‌نظر او این کارشان از روی نیاز به پول نیست. تناقض و تباین این زشتی با زیبایی‌هایی که دیده بودم، فکرم را حساسی مشغول کرده است. کمی درباره ریشه‌های تاریخی مدرسالاری در فرهنگ ایران و جهان صحبت می‌کنیم. همسفرانم به وضوح ناراحت شده‌اند. فردا صبح سوار بر اتوبوس در مسیر برگشت به تهران، در صفحه آخر «شرق» مطلب بهاره رهنما را می‌بینم که شوق و وجدش از همنشینی با گزیده اشعار شمس را با خوانندگان قسمت می‌کند. آنجا که خدا را شکر می‌کند که شمس در روزگار تلخ ما آفریده نشده است، روزگار سیدپاشی به صورت دخترکان و سوختن زنان در ساختمان‌های غیراستاندارد. بی‌اختیار به یاد کیمیا خاتون می‌افتم، نادرتری نوجوان زیباروی مولانا که به درخواست شمس کهنسال به عقد شمس درآمد و در کابین او خیلی زود مرد. به راستی آیا روزگار ما تلخ‌تر از گذشته‌های زیبای شمس و دیگران است؟

خبر فردا - فرداگذرانی

● فردا نودمین سال درگذشت «میرزا علی‌اکبرخان نفیسی» ملقب به «ناظم‌الاعلام» پزشک، ادیب و دانشمند ایرانی است. او از افراد موثر در امضای فرمان مشروطیت بوده و از علم‌آموزان مدرسه دارالفنون تهران محسوب می‌شود.
● علی عبداللهی، فریاد شیری و علی عباسی یکشنبه هفته پیش‌رو در کانون ادبیات ایران گردهم می‌آیند؛ مجموعه شعر «پوست دیگر نمی‌تواند مخفی‌ام کند» را بررسی کنند. این کتاب تازه‌ترین مجموعه شعر مهدی مرادی‌قرار است یکشنبه ساعت ۱۷:۳۰ در کانون ادبیات ایران به آدرس خیابان مفتح، کوچه اردلان، پلاک ۲۵ مورد نقد و بررسی قرار گیرد.
● از روز یکشنبه یک کارگاه عجیب‌وغریب در موزه ملی ملک

● نمایشگاه کتاب‌های نامزد جایزه هانس کریستین‌آندرسن ۲۰۱۴ با همکاری شورای کتاب کودک فقط تا ۹ خرداد در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (حجاب، تیمچه) برپاست. در این نمایشگاه بیش از ۲۵۰ کتاب از ۲۸ نویسنده نامدار (ژاکلین ودونسو، زنانه ولش، هوشنگ مرادی‌کرمانی، ژاکلین ویلسون و...) و ۲۰ تصویرگر برتر جهان (راجر ملو، خاویر زابالا، آلبرتینه، جان برنینگهام و...) وجود دارد.
● «در ستایش دلاوری» نمایشگاهی است که تا ۹ خرداد در خانه سینما، خیابان سمنان برپاست و مجموعه‌ای از ۲۷ پوستر فیلم‌های دفاع‌مقدس با عنوان «بازتاب رشادت» در کنار آن به نمایش گذاشته شده است.



اسماعیل کهرم



سعید برآبادی

رسم بود که می‌گفتند «لطف دست فرمونش خوبه»، حالا وضع عوض شده، می‌گویند «فلانی دست به قفل فرمونش ملسه»؛ هر سیره‌سپر ساده‌ای در شهر می‌تواند زمینه‌ساز یک دعوا باشد؛ هر لایه کشیدن بی‌رهنما، هر بوق ممتد و عامدانه، همه‌وهمه می‌توانند حتی دعای دو گروه را راه بیندازند؛ درست مثل مرداد پارسال که شکستن چراغ راهنمای سمت شاگرد یک پراید در نظام‌آباد به جدال دو محله در جنوب میدان امام حسین انجامید و یک زخمی و یک کشته روی دست مردم گذاشت. عجیب آنکه نخستین رییس سازمان ترافیک شهر تهران؛ اخلاق‌مان را در رانندگی به نقد می‌کشد و از اصطلاح «چارواداری» در توصیف فرهنگ رانندگی برخی افراد استفاده کرده است. اما سوال اینجاست که آیا واقعا رانندگی ایرانی‌ها در این حد افتضاح و فرهنگ‌شان در برخورد‌های فیزیکی خیابانی تا این حد پایین است و اگر هست، چرا؟

رامبد جوان معتقد است باید برای بررسی این موضوع به سراغ کارشناس‌هایش رفت؛ خصوصاً آنها که در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و حتی روانپزشکی فعالیت می‌کنند: «این یک بحث تحلیلی است و مساله پیش‌رو نیاز به تحلیل جدی دارد. از آنجایی که فکر می‌کنم ریشه این نوع برخورد‌ها در رفتارهای شخصی افراد است؛ باید این رفتارها به دقت مورد بررسی قرار گیرد» او به «شرق» می‌گوید وقتی افراد تصمیم می‌گیرند در حوزه فرهنگ ترافیکی‌ما اظهارنظر کنند نباید مسایل مهم در این مقوله را نادیده بگیرند، مسایلی که می‌توانند بیش‌ازپیش تأثیرگذار باشند؛ «وقتی که یک نفر به ما می‌گوید فرهنگ ترافیکی درستی نداریم، در خیابان حقوق هم را رعایت نمی‌کنیم، معمولاً شاهد تحلیل درستی نیستیم» رامبد جوان اگرچه توپ را در زمین کارشناسان می‌اندازد و می‌گوید باید برای تحلیل

پارچه‌ها هستند. کمی بعد نمونه‌ای از این گیاهان را کیلویی ۱۰هزارتومان از مغازه روستا می‌خریم. سوار بر مینی‌بوس به سمت شهر حرکت می‌کنیم. گرگ و میش است و هوا کم‌کم رو به تاریکی می‌رود. چند کیلومتری از روستا دور شده‌ایم که ناگهان با دیدن گروهی از زنان و دختران روستا که هر یک کیسه‌ای سبزی بر دوش دارند در بهت فرو می‌رویم. روستا جوان مینی‌بوس که در همین مسیر کار و تردد می‌کند، می‌گوید «سحرگاه از روستا بیرون می‌زنند و کیلومترها دورتر سبزی جمع می‌کنند و دم غروب باز می‌گردند» می‌گوید هر وقت بتواند می‌سالدشان و امروز چون به استان مجاور رفته بسود، زن‌ها مجبور شدند پیاده بیایند. همین‌طور که جلوتر می‌رویم به دسته‌های دیگری از آنان بر می‌خوریم. ناگهانی از چشمان کنج‌گام ما می‌پوشانند. راننده می‌گوید: «برخی شب‌ها که به تاریکی می‌خورند، دیگر به پیاده‌روی ادامه نمی‌دهند، دور هم حلقه می‌زنند، کیسه‌های سبزی را به پشت می‌پنند و در میانه آتشی بر می‌افروزند و تا صبح سر می‌کنند. در پاسخ به پرسش